گفت‌وگوی «وطن امروز» با ایران‌شناس آمریکایی

ویلیام بیمن: برنامه هسته‌ای بهانه است؛ هدف ضربه‌زنی و تحقیر ایران است

سیدرضا بیاستیه: پروفسور «ویلیام بیمن» دارای مدرک دکترای انسان‌شناسی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۷۶ است. او محقق و تحلیلگر امور غرب آسیا و شمال آفریقا و شورای اسلام بویژه ایران، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و نیز آسیای مرکزی است و در زمینه کشورهای خاور دور نیز تحقیقاتی انجام داده است. پروفسور بیمن در دانشگاه‌های «برلون»، «مینه‌سوتا» و برخی مراکز تحقیقاتی معتبر دیگر آمریکایی تدریس و پژوهش مشغول است.این استاد آمریکایی که اخیرا از ایران به آمریکا بازگشته، با روزنامه «وطن امروز» درباره مسائل روز ایران از جمله مذاکرات هسته‌ای به گفت‌وگو پرداخت. پروفسور بیمن در این مصاحبه اظهار داشت: «بسیاری از مسئولان آمریکایی با طرح جملات خیراندیشانه و حمله به کشور شما هیچ رأیی را از دست نمی‌دهند»

●●●

■ **مشکل آمریکا و همپیمانان و دشمنان‌وهابیش با جمهوری اسلامی دقیقا چیست؟ آیا مساله فعلا مربوط به برنامه هسته‌ای است یا مسائل دیگری هم مطرح است؟ شما مساله اصلی را چه می‌دانید؟**

ابتدا ضرورت دارد شما بدین پرسش آمریکا و بقیه کشورهای گروه «۵+۱» قرق قائل شوید زیرا دیدگاه‌های آنها متفاوت است. باید بدانید ۲ مجموعه و بدنه متفاوت که عبارتند از مذاکره‌کنندگان و مخاطبان گسترده‌تر و قانونگذاران حاضر در کشورهای عضو گروه «۵+۱». من معتقدم مذاکره‌کنندگان در نقطه‌نظرات و دیدگاه‌هایشان متحد و استوار هستند اما دیگر مخاطبان این قضیه خیر و مسأله فرق می‌کند. این گفت‌وگوها بار نمونه عراق هم هست، با آنکه قبل از حمله آمریکا و انگلیس به عراق، این دو کشور مدعی وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق بودند ولی بعدها که عراق بی‌گناه بود اعتراف کردند چنین دری در عراق که مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی باشد، یافت نشد. آیا ایران می‌تواند به دست خود امنیتش را به خاطر یک توافق به خطر بیندازد؟

آمریکا تحت‌فشار لابی‌ها و عناصر افراطی و لابی اسرائیلی‌ها قرار دارد. لابی اسرائیل و امید می‌کند می‌خواهد مطمئن شود ایران هرگز سلاح هسته‌ای نمی‌سازد و هرگز برنامه‌ای هم برای ساخت آن ندارد. برخی با را فراتر گذاشته و مایلند مطمئن شوند ایران حتی فکر ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای را نیز نکند بنابر این آنها اقدام‌های سخت را برای رضایت تندروهای آمریکا به کار برده‌اند. هیچ کشوری تاکنون در معرض چنین شیوه‌های بازرسی طالبانه‌ای قرار نگرفته است. تندروهای آمریکا قصد تحقیر ایران را دارند.

■ **آمریکا خوب عربی می‌داند ایران نه و در گذشته رد نه آن‌را به‌درصد دستیابی به بمب اتم نبوده و نیست. پس به چه دلیل می‌خواهد به بهانه مساله هسته‌ای فشار را بر ایران بیشتر کند؟ آیا خود «نظام ایران» به مساله اصلی آمریکا نیست؟**

در آمریکا در واقع بسیاری به این باورند ایران قبلا در پی ساخت بمب اتم بوده یا چنین قصدی دارد آینده دارد. اینها به خاطر تبلیغات بی‌امان و اطلاعات نادرست از بازرسی‌های سخت و سخت به‌عنوان بخشی از توافق را می‌پذیرد؟! در مجموع حتی اگر انسان‌های ایران چنین چیزی را بپذیرند، این موضوع نقض مطلقا عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است. در مورد جاسوسی‌ها باوجودی که بازرسان آژانس بین‌المللی هسته‌ای افرادی حرفه‌ای هستند اما احتمال جاسوسی نیز وجود دارد.

■ **آمریکا در توافق با ایران، نقش مهمی ایفا می‌کند. لطفا توضیح دهید آیا این واقعا این توافق نیاز دارد. دلیل اینکه سعی دارد امتیازات بیشتری از ایران بگیرد و مواردی را مطرح می‌کند که خود بهتر می‌داند آنها تنها واقعیت دارد یا موضع رئیس‌جمهور آمریکا است؟**

در داخل آمریکا بسیاری از یک توافق هسته‌ای با ایران بهره می‌برند اما در نقطه مقابل افرادی بسیار قدرتمند نیز در آمریکا هستند که از خصومت با ایران برای زندگی سیاسی‌شان منفعت می‌برند به همین خاطر فشار بر ایران را برای مدل تندروها ادامه می‌دهند البته این عناصر تندرو و لابی‌ها و سیاستمدارن نقش مستقیم در توافق ندارند بلکه تنها غیرمستقیم اثرگذارند.

■ **پروتکل الحاقی در هر کشوری به صورتی اجرا می‌شود که با قدرت آن کشور برای جلوگیری از بازرسی‌ها مرتبط است اما مشخصا در صورتی که بخواهد در ایران اجرا شود، غرب علاقه‌مند است حتی پیش‌تر از آنچه در پروتکل هست، از برنامه‌های هسته‌ای ایران سر دربیاورد. چرا در حالی که اسرائیل حتی عضو این‌پی‌تی هم نیست و یکسره نیز در حال تهدید کشورهای دیگر است و دیوانه‌ای مانند «نتانیاهو» هم آن را اداره می‌کند که هیچ چیز از او بعید نیست اما از ایران که عضو این‌پی‌تی است و توسط سیاستمداران عاقل و مسلط‌طلب نیز اداره می‌شود قدرت‌ها می‌خواهند پروتکل الحاقی و حتی فراتر از آن را اجرا کند؟ این‌پی‌تی را چطور در غرب توجیه می‌کنند؟**

عناصر افراطی و تندروی آمریکا در واقع می‌خواهند ایران از حقوق هسته‌ای خود که براساس این‌پی‌تی و قوانین بین‌المللی از آن بهره‌مند است، دست بردارد. فکر می‌کنم این غیرممکن است زیرا تقریبا ۲۰۰ کشور این معاهده را امضا کرده‌اند. ایران نیز این درخواست‌های افراطی‌گونه را که به استقلال و تمامیت ارضی کشورش لطمه می‌زند، نباید بپذیرد. اگر من پذیرش چنین موردی را بشنوم بسیار ناراحت خواهم شد و این نه‌تنها برای ایران بلکه به‌خاطر همه اهالی که زمین است که نباید با چنین توافقی، در معرض زور گویی قرار گیرند. در این میان آنچه من کاملا می‌فهمم این است که ژرژبوش تاکنون در معرض چنین شیوه‌های بازرسی طالبانه‌ای قرار نگرفته است. تندروهای آمریکا قصد تحقیر ایران را دارند.

■ **آمریکا و سیاستمداران آمریکایی چون «تد کروز»، «نام کانن» و «لیندسی گراهام» حمله به ایران را مناسب می‌دانند؟**

سیاستمداران آمریکایی درک کرده‌اند ایرانیان حامیان تبلیغاتی کمی دارند. آنها به خاطر دستاوردهای سیاسی از اول انقلاب به ایران حمله می‌کنند. سیاستمداران آمریکایی با جملاتی شبیه‌سازی و حمله به این کشور هیچ رأیی را از دست نمی‌دهند. البته تبلیغ گروه‌های هوادار اسرائیل نیز اندامه خواهد داشت. من در کنایم آنها را عنوان کرده‌ام. ایران نیز قادر است با اقدام‌های بهتر و بیشتر خود، این باوگویی‌ها را دفع کند.

■ **به‌عنوان آخرین سوال نظر شما درباره کتاب «بحران ساختگی» پروفسور گرث پورتر چیست؟**

کتاب قوی‌اعدادهای است که در سراسر آن با تحقیق به ادعاهای دروغین درباره برنامه هسته‌ای ایران پاسخ داده شده است. این کتاب سراسر دارای مستندهای بی‌عیب و نقص است.

آزمون بهارستان

درس پرونده کرسنت برای ماجرای هسته‌ای

سیده آزاده امامی: «کرسنت» میراث شوم سال‌های سیاه اصلاحات است که ضمن «توافق» نامتوازن و دادده شده، خسارات هنگفتی متوجه نظام شد و سبب شد سرمایه عظیمی که می‌توانست در این سال‌ها زخمی از معضلات اقتصادی کشور را درمان کند از کف ملت خارج و روانه جیب بیگانگان شود.

توافقی که مغایرت آن با قانون آنقدر عیان و آمیختگی آن با فساد آنقدر واضح بود که حتی برای نهادهای بین‌المللی همیشه وابسته نیز چاره‌ای جز صدور رأی به نفع جمهوری اسلامی باقی نگذاشت. لیکن پس از روی کار آمدن دولت تدبیر[!] اتجا که تدبیر دولت بر به‌کارگیری عاملان این قرارداد در سطوح عالی مدیریتی تعلق گرفت، روند پرونده هم در دادگاه‌های بین‌المللی معکوس و رأی به نفع طرف مقابل صادر شد. طبیعی هم بود، وقتی دیدند عاملان این جریان به جای اینکه باخواست جای خود مانده است در مدت زمان بسیار کوتاهی تحریم‌های تعلیق شده یا احیانا لغو شده مجددا به حالت عادی خود بازخواهد گشت.

عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی افزود: در بند ۱۳ هم به امکان بازگشت‌پذیری ایران اشاره شده ولی همگان می‌دانند که حداقل برای بازگشت‌پذیری ما در حوزه هسته‌ای مانند میزان سابق ماشین‌های سانتریفیوژ، برگشتن به ظرفیت ۴۰ مگاواتی راکتور آب سنگین اراک، و اقدامات دیگری مانند بازگرداندن فردو به حالت اول انجامشده قرار دادن نظام داشته است. لیکن این مجلس است که می‌تواند به پشتوانه جایگاه رفیع قانونی خویش و فرامایشات صریح رهبری رسالت خویش را در التزام عملی به سوگندی که برای صیانت از حقوق و منافع ملت خورده است ایفا کند. حضرات نمایندگان به خاطر داشته باشند آنچه در این برهه از ایشان انتظار می‌رود بررسی دقیق و توأم با وسواس «متن تهیه‌شده» در نسبت با «خطوط قرمز» تعیین‌شده از سوی رهبر انقلاب است و نه خدای ناکرده امضای فرمایشی و فرمالیته از سوی دولت به ایشان ارائه شده است!

اگر چه رهبر حکیم و عظیم‌الشأن انقلاب فاطمانه فرمودند: «چه این متن تصویب بشود و چه نشود جمهوری اسلامی در زمینه حفظ قابلیت‌های دفاعی و امنیتی خود - آن هم در این فضای تهدیدی که دشمنان برایش به‌وجود می‌آورند- هرگز تسلیم زیاده‌خواهی دشمن نخواهد شد؛ چه این متن تصویب بشود چه نشود، ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید» از ملت مظلوم فلسطین و از ملت مظلوم یمن، از ملت و دولت سوریه، از ملت و دولت عراق، از مردم مظلوم بحرین، از مجاهدان صادق مقاومت در لبنان و فلسطین»[لیکن لحاظ دقیق ملاحظات حضرت معظم‌له امری است که به نحوی اساسی باید در دستور کار مجلس قرار بگیرد.

نقش مکرر خطوط قرمز در تخطی از محدودیت «کمتر از ۱۰ سال» برای فعالیت‌های هسته‌ای، منوط شدن رفع تحریم‌ها به رأسی/مایی آژانس، «تخفیف مرحله به مرحله»؛ اکثر تحریم‌ها به جای «لغو یکباره» تعلیق آنها، امکان بازگشت‌پذیری خودکار همه تحریم‌ها، راه‌های فرار متعدد طرف مقابل در اجرای اند که تعهدات آنها و... مواردی نیست که بتوان به سادگی از آنها گذشت.

علاوه بر آن باز شدن پای امور کاملا «غیرهسته‌ای» به توافق، گواه حقانیت هشدارهای منتقدان در معطوف بودن دلیل متازعه و اهداف حقیقی توافق به «ماهیت انقلابی نظام اسلامی» است؛ از سویی اعمال محدودیت‌های جدی بر توان تسلیحاتی و دفاعی کشور عملاً و رسماً به معنای مداخله آشکار بیگانه در امور راهبردی کشور است که خدشه در استقلال و آسیب‌پذیری نظام را در پی دارد، آن‌هم در شرایطی که تهدیدات خارجی بیش از هر زمان دیگری متوجه نظام است. از سوی دیگر محدودیت‌هایی که این توافق برای تعامل جمهوری اسلامی با گروه‌های مقاومت منطقه قائل شده، آشکارا ماهیت انقلابی و آرمان استکبارستیزانه نظام را نشانه رفته است، تا هم با فروریختن اسطوره مقاومت ملت و دولت‌ها پیش روی جنبش‌های مردمی به پاخاسته، عزم و انگیزه آنان را در مبارزه به طور جدی تحت‌الشعاع قرار دهد و هم آنان را نسبت به حمایت‌های جمهوری اسلامی به‌عنوان پدر معنوی گروه‌های مقاومت دچار یأس و سرخوردگی کند.

تذکر این نکته نیز ضروری است که چنانچه در فرایند قانونی تصویب این سند بند یا بندهایی از آن به‌جهت تعارض با «خطوط قرمز» «لغو» و «رد» شود- که به احتمال بسیار زیاد چنین خواهد شد- مسؤولیت تغییرات ایجادشده که قطعاً و یقیناً تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر مفاد توافق پذیرفته‌شده از سوی دولت خواهد داشت، تماماً متوجه خود دولت خواهد بود؛ یک دلیل تعهداتی که اساساً پذیرش یا عدم پذیرش آنها در حیطه اختیارات و مسؤولیت دولت نبوده و بنابراین اقدام به آن اشکارا خلاف قانون و فاقد اعتبار است و دیگری به سبب بی‌توجهی سوال‌برانگیز دولت به نقدهایی که در بیش از یکسال اخیر و بویژه پس از توافق‌های «ژنو» و «وین» بارها و بارها از سوی منتقدان هشدار داده شده و متأسفانه همه آنها در سند «وین» تکرار شده و مصداق پیدا کرده‌اند.

به‌رغم توصیه صریح و ناصحانه رهبری به دولت برای تعامل همدلانه با منتقدان بویژه در هنگامه‌های حساس، متأسفانه نگاه دولت به منتقدان- بر خلاف نگاهی که به طرف‌های مذاکره داشت!- همواره توأم با سوءظن و بی‌اعتمادی و آلوده به توهین و اتهام بوده است. حال آنکه اگر به جای خوشبینی به طرف‌های «متحان‌پس‌داده» مذاکره به حسن‌نیت منتقدان مشفق اعتماد می‌کرد و به تذکرات آنها ترتیب اثر می‌داد، امروز به جای سند نامتوازنی که کفه «دادها»یش به مراتب سنگین‌تر از «ستاده‌ها»ست و حتی تهدیدی جدی برای امنیت ملی به حساب می‌آید، توافق مقتدرانه و عزت‌مندانه‌ای در دست داشت که ضمن آن نه‌تنها «خطوط قرمز» که در واقع «کف» انتظارات و مطالبات نظام و ملت است به یک خط مقدم می‌شد که سنگینی وزنه در جهت امتیازات ما و تعهدات «غیرقابل تخطی» طرف‌های مقابل محقق می‌شد. علاوه بر آنکه در آن اجازه «هیچ‌گونه» تجاوز و فراروی از موضوعات «منحصراً هسته‌ای» نیز داده نمی‌شد.

غرض از بیان این نکات البته به هیچ‌وجه نادیده گرفتن تلاش‌ها و زحمات مذاکره‌کنندگان نیست که همان‌گونه که رهبری فرمودند «متن تهیه‌شده چه تصویب بشود و چه نشود، اجر آنها محفوظ است». انتقادی اگر هست بیش از همه معطوف به «پیش‌فرض‌ها» و «رهبرد عملیاتی» آنها در مذاکرات است که با ارسال سیگنال‌هایی حاکی از «نیاز مبرم دولت به توافق» توأم شد و مسلم است محاصل پیش‌فرض «اعتماد» و «خوشبینی» به طرف‌های مقابل و راهبرد «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» چیزی بیش از «توافق ژنو» و «لوزان» و سند «وین» نخواهد بود!

توجه به این نکات و نیز لـزوم اصلاح دقیق متن که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر سرنوشت نظام دارد، مطابق «خطوط قرمز» و اصول اساسی و آرمان‌های انقلاب، وظیفه مجلس بوده و ضرورت نقش‌آفرینی فعال او را برجسته می‌سازد. ضمن آنکه بررسی این سند در ماه‌های پایانی عمر مجلس نهم آزمون دشواری برای نمایندگان ملت است تا نشان دهد این حضرات در برخورد با یکی از حیاتی‌ترین موضوعات تاریخ انقلاب، منافع ملی و «خطوط قرمز» نظام را (رجح می‌دانند و در واقع «وکلای ملت»‌اند، یا اینکه حامی‌ناکرده در مواجهه‌ای منفعلانه و از سر تعارف و رودربایستی ملاحظات دولت را بر خواست ملت و انتظارات رهبری مقدم داشته و با نگاهی به کرسی‌های سبز «مجلس دهم» درباره آن تصمیم می‌گیرند و حساب خود را تا سطح «وکیل‌الدوله» بودن فروکاسته و احیانا «کرسنت» دیگری را رقم خواهند زد!

مجلس بداند کشتی و رفتار او در این مقطع به دقت از جانب ملتی ناشنوا رصد می‌شود و حتی خُردترین تصمیمات آن در زیر ذره‌بین نگاه ژرف این مردم مورد تحلیل و کالبدشکافی قرار می‌گیرد و به یقین کسانی که در این دوگانه رأی به مصلحت‌ها و تعارفات خویش داده‌اند، بازخوانت خواهند شد!

بدین منظور حتی پیشنهاد می‌شود مشروح مذاکرات و مباحثات مجلس درباره این موضوع علاوه بر «صدا»، از «سیما»ی جمهوری اسلامی نیز به طور زنده منعکس شود تا قاطبه ملت به گونه‌ای بی‌واسطه به ماحصل فعالیت ۲۲ ماهه دولت و نیز نحوه مواجهه نمایندگان خویش با این مسأله اشراف یابند.

توافق خسته‌ای!

نگاه | امامه از صفحه اول

این مهم را تجربه در «مقام عمل» یعنی «مرحله اجرا»ی توافق می‌توان سنجید. برگه انشاء» که فی‌الواقع، کاغذی بیش نیست! «صحیفه‌نور» به ما می‌گوید: «اساس این قرارداد که آدمی برای گرفتن بدیهی‌ترین حق خود بخواهد زیر بار فشار دشمن برود، بدان حد که حرف زور شنیدن از اجنبی را «تئوریزه» کند، عین ذلت است». در اینگونه مواقع، تجربه نشان داده آدمی فشار دشمن را متحمل می‌شود اما بدیهی‌ترین حق خود را مگر در همان «انشاء مرقومه» به چنگ آورد، نه در «عالم واقعیت»! «صحیفه‌نور» به ما می‌گوید: «اساس این قرارداد که آدمی برای درمان امراض اقتصادی خود بخواهد نسخه گدایی از خصم‌قدرمند تمنا کند، عین بی‌تدبیری است». نشست و برخاست با امثال وزیر خارجه فرانسه، حل‌المسائل مشکلات اقتصادی این کشور نیست! اروپا خودش درگیر «ریاضت اقتصادی» است! لطفا برند جمهوری اسلامی را آسیب نزنید! دیبرو، خوب خودش را لو داد این فابیوس کثیف! «من نماینده مهبونیست‌ها بودم در مذاکرات»! کاش ایـن مردمان وزارت امـور خارجه «الفبای غیرت» را رعایت کنند و به این بی‌چشـم و رو که جدای از این مواضع، دسـتی الوده به خون جوانان کشورمان هم دارد، هرگز اجازه ورود به خاک مقدس وطن ندهند. هم «حرمت دولت» باید محفوظ بماند، هم «احترام ملت». فابیوس اگر به ایران بیاید، عادلانه‌تر آن است

متن تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب
سفر به قله‌ها

متن گفتار رهبر معظم انقلاب درباره کتاب
بابانظر

بابانظر که یک جوان کم سوادی بوده رفته جنگ، فرماندهی کرده و سا لها در جنگ بوده و بعد هم جانباز شده و شهید شده است، شرح حال را خودش گفته؛ این یک کتاب شد. یک داستان مفصل شد.

۲۶ مهر ۱۳۸۸

تهران/ خیابان حافظ/ خیابان رشت/ پلاک ۲۳
روابط‌عمومی انتشارات سوره مهر
صندوق پستی: ۱۴۴-۱۵۸۱۵
تلفن: ۱۵-۶۶۴۷۷۰۱۴-۰۲۱
فکس: ۶۶۴۰۴۶۶۳-۰۲۱
WWW.SOOREMEHR.IR

برای مقابله با آدمکش‌های منطقه باید مجوز بگیریم!

خبر | ادامه از صفحه اول

یعنی نـه کشـوری حق وتوی آن را خواهد داشت و نـه نیازمند تصویبی برای اثبات آن مدعا خواهد بود بلکه با اصرار یک عضـو که آن عضو می‌تواند اساسا و اصولا شیطان بزرگ، منت ما را نمی‌کشید برای مذاکره! حضرات، اه از نهاد دارد و بنای خود را بر قانع نشدن بگذارد، آن وقت تا انتهای قضیه یعنی برگشتن همه تحریم‌ها اتفاق خواهد افتاد. تحریم‌هایی که بخش اعظم آن فقط تعلیق خواهد شد یا برای بخش دیگری از آن فقط توقف در اجرای آن صادر خواهد شـد. بنابراین به دلیل اینکه نظام تقنینی و قانونی تحریم‌ها بر سـر جای خود مانده است در مدت زمان بسیار کوتاهی تحریم‌های تعلیق شده یا احیانا لغو شده مجددا به حالت عادی خود بازخواهد گشت.

وی افـزود: قرق این قطعنامه این اسـت که ما با دست خودمان پیش‌نویسش را آماده کردیم و آن را پذیرفته‌ایم؛ پس دیگر نمی‌توانیم بگوییم قطعنامه غیرقانونی اسـت و اگر بندی از آن را اجرا نکنیم به نقض تعهدات بین‌المللی متهم می‌شویم و خود را در مقابل کشورهای عضو سازمان ملل قرار می‌دهیم و طرف مقابل هم می‌تواند تعهدات خود را کـه یک بخش آن در برجام یا قطعنامه اشـاره شـده اجرا نکند. داور هم که معمـولا به نفع آنها سوت می‌زند. داور ارزیابی عملکرد ما در این موارد است. اینکه آیـا آژانسی که به مدت ۱۵ سال اقدامات از روی حسن‌نظر ما و با هدف راستی‌آزمایی آژانس در حوزه فناوری هسـته‌ای را در آخر هم تیذیرفت و حاضر نشد یک صفحه گزارش مثبت از اقدامات ایران ارائه دهد. آژانسـی که دهها هزار نفر/ ساعت کار بازرسی کرد و با اعزام بازرسان به داخل کشور، تمام فعالیت‌های ما را زیرنظر گرفت ولی نه حرف ما را در آخر قبول کرد و نه بازرسـی‌های خودش را کافی دانسـت و پرونده را در همان شـرایط نگه داشت.

بدرپاش درباره موشک‌های بالستیک نیز گفت: بخـش دیگـر محدودیت‌هـا درباره موشـک‌های بالسـتیک اسـت. موشـک‌هایی که در قطعنامه شورای امنیت پذیرفته‌ایم به مدت ۸ سال بسیاری از اطلاعـات حتـی آزمایش این موشـک‌ها را در بالسـتیک و تسـلیحات متعارف مربوط است. ما در گذشـته هم برخی از اینها را تحریم شـده‌ایم. در بخش‌هایی از قطعنامه اشـاره شـده که خرید، فروش، صادرات و واردات هرگونه سلاح متعارف به مدت ۵ سال جز با مجوز شورای امنیت امکان‌پذیر نیسـت. این یعنی امنیت ما در خـارج از مرزها و امنیـت مـا در مقابل تهدیدهای احتمالی منوط به تامین نظر شـورای امنیت اسـت و اگـر بخواهیم غیـر از این عمـل کنیم و خود را مسـلح کنیم و در مقابل این مجمع‌الجزایـر آدمکش‌های منطقه خود را حراست کنیم، باید شورای امنیت سازمان ملل مجوز دهد. شورایی که سوابق چندساله مجوز دادن‌هـای آن جز مجوز دادن به ظالم در حمله به مظلوم نبوده است.

وی افـزود: قرق این قطعنامه این اسـت که ما نمایندگان ملت توجه داشـته باشند تأکید «سـه‌گانه» زعیم عالیقدر نظام به اینکه «متن تهیه‌شده»، «چه تصویب بشود و چه نشـود»، و نیز تصریح ایشان به عبارت «در صورت تصویب»، کاملاً راه را برای هر ۲ تصمیم «ایجابی» و «سلبی» مجلس باز گذاشته و آنان را از گرفتار آمدن در جاده «یکطرفه» تعهد و اجبار به پذیرش این سند رهانیده است؛ در واقع رهبری با تأکید بر لزوم مراعات دقیق فرایند قانونی شدن «متن فراهم‌آمده»، مجلس را از موضع انفعال و دسـت‌بسته بودن خارج کرده و به رسمیت شناختن جایگاه آن به‌مثابه «رأس امور» مشخصاً رأی مجلس و شورایعالی امنیت ملی را «حاکم» بر فرایند طی‌شده دانسـته‌اند.

هرچند دولت با پنهان‌کاری سـعی در دور زدن سـازوکارهای قانونی و در برابر عمل انجامشـده قرار دادن نظام داشته اسـت، لیکن این مجلس است که می‌تواند به پشـتوانه جایگاه رفیع قانونی خویش و فرامایشات صریح رهبری رسالت خویش را در التزام عملی به سوگندی که برای صیانت از حقوق و منافع ملت خورده است ایفا کند. حضرات نماینده به خاطر داشته باشند آنچه در این برهه از ایشان انتظار می‌رود بررسـی دقیق و توأم با وسواس «متن تهیه‌شده» در نسـبت با «خطوط قرمز» تعیین‌شـده از سـوی رهبر انقلاب اسـت و نه خدای ناکرده امضای فرمایشـی و فرمالیته آنچه از سـوی دولت به ایشان ارائه شده اسـت!

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

www.vatanemrooz.ir